


## Cultural Anthropology of Prehistoric Arabs (Case Study: Origin of Female infanticide)

Azam Farjami <sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Theology, Razi University, Kermanshah, Iran.  
[azamfarjami@yahoo.com](mailto:azamfarjami@yahoo.com)

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article    <b>Received:</b> 2024.09.11 <b>Accepted:</b> 2024.12.11	<p>To better understand the words of the Quran, taking help from modern sciences such as cultural anthropology of prehistoric Arabs opens up new horizons for us in understanding God's intentions. Identifying the causes and origins of Arab female infanticide was possible with the help of the anthropological axes of family, economy, religion, language, government and the nature of the peninsula. The kinship and lineage component of the pre-Islamic Arab "family", which was patrilineal and tribal, prevented the transmission of lineage and race through daughters. On the other hand, in the function of family reproduction, if daughters did not find a groom of equal rank and status in the tribe, their marriage was a disgrace and humiliation. Therefore, the birth of girls was a disgrace and shame among the Bedouin Arab tribes. The difficult life in the dry desert of Arabia and the type of "economic" activity of livestock farming, hunting and plundering neighboring tribes led to the humiliation and captivity of women and, as a result, the weakness of the warrior Arabs. The characteristic of adhering to the "religion" of worshipping idols and gods who demanded sacrifices such as children turned female infanticide among the Arabs into a religious ritual for the union of the daughters of God with God. Female infanticide was reported more among the Banu Tamim and Quraysh tribes than other tribes.</p>
<b>Keywords</b>	Cultural anthropology, pre-Islamic Arabs, thematic interpretation of the Quran, female infanticide.
<b>Cite this article:</b>	Farjami, Azam (2025). Cultural Anthropology of Prehistoric Arabs (Case Study: Origin of Female infanticide). <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 15 (4). 147-168. DOI: 10.22034/15.57.145
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/15.57.145">https://doi.org/10.22034/15.57.145</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## علم معرفه الانسان الثقافى لعرب الجاهلية (دراسة: منشأ وأد البنات نموذجاً)

اعظم فرجامي<sup>١</sup>

١. استاذ مساعد فرع اللاهوت جامعة الرازي، كرمانشاه، ايران.

azamfarjami@yahoo.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	لدرك أفضل للكلمات القرآنية، الاستعانة بعلوم اليوم مثل علم معرفة الانسان الثقافى لعرب الجاهلية، يؤدي الي فتح آفاق جديده امامنا لفهم المقصود الالهي. معرفة اسباب و مصدر وأد العرب للبنات، بمساعدة محاور المعرفه الانسانيه للاسرة، الاقتصاد، الدين، اللغة، الحكومة و طبيعة شبه الجزيرة أصبح ميسراً. عناصر القربة و الأصل «للأسرة» للعرب الجاهلي التي تجلت بشكل الأصل الأبوي و القبلي، حال من انتقال النسب و الأصل بواسطه البنات. من جانب آخر في اداء الانجاب الأسري، فان البنات اذا لم يجدن الصهر الكفوء و ذو المنزل الموازية، فان زواجهن كان تحقير و مذلة؛ لذلك فان ولادة البنات في قبائل عرب البادية كان عار و شتار. كما ان العيش الصعب في صحراء العربية القاحلة و نوع النشاط «الاقتصادي» تربية المواشي، الصيد و غارات القبائل المجاورة. ادي الي تحقير و وقوع الناس في الأسر و بالنتيجة كانت نقطه ضعف العربي المقاتل. خصيصة التمسك بـ «الدين» عبادة الاصنام و الآلة التي تطلب القرابين مثل الاطفال، حول وأد البنات بين العرب لطقس مذهبي لألحاق بنات الله بالله. تفيد التقارير بان وأد البنات بين قبائل بني تميم و قريش كان الاكثر عدداً من سائر القبائل العربية.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٣/٠٧	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٦/٠٩	
الألفاظ المفتاحية	علم معرفه الانسان الثقافى، عرب الجاهلية، تفسير القرآن الموضوعي، الوأد..
الاقتباس:	فرجامي، اعظم (١٤٤٦). علم معرفه الانسان الثقافى لعرب الجاهلية (دراسة: منشأ وأد البنات نموذجاً). مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٥ (٤). ١٣٨ - ١٤٧. DOI: 10.22034/15.57.145
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/15.57.145
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



# نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۵، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۵۷

## انسان‌شناسی فرهنگی عرب جاهلی (مطالعه موردی: منشأ دخترکشی)

اعظم فرجامی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

azamfarjani@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> پژوهشی (۱۳۸ - ۱۴۷)	برای درک بهتر کلمات قرآنی، کمک گرفتن از علوم روز مانند انسان‌شناسی فرهنگی عرب جاهلی، سبب می‌شود افق‌های جدیدی در فهم مراد خداوند برای ما گشوده شود. شناسایی علل و منشأ دخترکشی عرب، با کمک محورهای انسان‌شناسانه خانواده، اقتصاد، دین، زبان، حکومت و طبیعت شبه‌جزیره میسر شد. مؤلفه خویشاوندی و تبار «خانواده» عرب جاهلی که به‌صورت پدرتباری و قبیله‌ای بوده، مانع از انتقال نسب و نژاد به واسطه دختران بود. از سوی دیگر در کارکرد تولیدمثل خانواده، دختران اگر داماد هم‌شأن و هم‌کفو قبیله نیافته بودند، ازدواج آنان خواری و ذلت بود؛ ازاین‌رو تولد دختران در قبائل عرب بادیه‌نشین ننگ و عار بوده بود. امرارمعاش سخت در صحرای خشک عربستان و نوع فعالیت «اقتصادی» دامداری، شکار و غارت قبائل همسایه، سبب تحقیر و به اسارت رفتن زنان و در نتیجه نقطه ضعف اعراب جنگجو بود. ویژگی تمسک به «دین» پرستش بتان و خدایانی که قربانی‌هایی مانند کودکان می‌طلبیدند، دخترکشی را در میان اعراب به منسکی مذهبی برای الحاق دختران خدا به خدا تبدیل کرد. دخترکشی در میان قبائل بنی‌تمیم و قریش، بیش از دیگر قبائل گزارش شده بود.
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۳/۰۶/۲۱ <b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۱۰/۱۲	انسان‌شناسی فرهنگی، عرب جاهلی، تفسیر موضوعی قرآن، دخترکشی.
<b>واژگان کلیدی</b>	فرجامی، اعظم (۱۴۰۳). انسان‌شناسی فرهنگی عرب جاهلی (مطالعه موردی: منشأ دخترکشی). <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i> . ۱۵ (۴) ۱۳۸ - ۱۴۷. DOI: 10.22034/15.57.145
<b>کد DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/15.57.145">https://doi.org/10.22034/15.57.145</a>
<b>ناشر:</b>	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

قرآن در پنج آیه تصریح می‌کند که عرب هم‌عصر پیامبر قتل اولاد (فرزندکشی) داشته است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر وجود پدیده دخترکشی نیز در شبه‌جزیره عربستان قطعی است؛ زیرا حداقل در دو آیه قرآن به صورت مستقیم به آن اشاره شده است. آیات «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ \* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»<sup>۲</sup> و نیز «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ \* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»<sup>۳</sup> به وضوح نشان می‌دهد دختران با رسم واد کشته می‌شدند و پدر عرب نیز به هنگام تولد دختر خشمگین و ناراحت بود؛ به اندازه‌ای که اندیشه زیر خاک پنهان کردن دختر نوزاده را در سر داشت. بازخوانی این رسم تلخ و خونین عرب با کمک علم انسان‌شناسی فرهنگی، موضوع این پژوهش است. قصد آن داریم تا به پرسش‌هایی که با تطبیق بر علم انسان‌شناسی فراهم آوردیم، پاسخ دهیم. ماهیت و منشأ رسم دخترکشی چیست؟ قوم عرب رسم دخترکشی را در زندگی روزمره خود چگونه به کار می‌بردند؟ تفاوت‌های نگرشی در فرهنگ اقوام مجاور (دیگر قبایل عرب شبه‌جزیره یا دیگر مردم غیرعرب مجاور شبه‌جزیره) درباره رسم دخترکشی چه بوده است؟

انسان‌شناسی علم نوینی است که زیرمجموعه علوم جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری معرفی و دسته‌بندی می‌شود. این علم به چندین زیرشاخه از جمله انسان‌شناسی زیستی، انسان‌شناسی تاریخی، انسان‌شناسی فرهنگی، انسان‌شناسی فلسفی و... تقسیم می‌شود.<sup>۴</sup> انسان‌شناسی فرهنگی، تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی را توصیف، تحلیل، تفسیر و تبیین می‌کند و برای رسیدن به این اهداف از مردم‌نگاری (بر پایه تحقیق میدانی) و قوم‌شناسی (بر پایه مقایسه فرهنگی) استفاده می‌کند.<sup>۵</sup> این دانش بیش از همه بر نسبی‌گرایی فرهنگی تأکید دارد و منظور آن است که هر فرهنگی را باید در چارچوب مجموعه ارزش‌ها، باورها و رفتارهای خاص آن فرهنگ و نه در مقایسه با فرهنگ دیگر، درک کرد.<sup>۶</sup>

۱. نک: انعام/۱۳۷، ۱۴۰، ۱۵۱؛ اسراء/۳۱؛ ممتحنه/۱۲.

۲. پرسند چو زان دخترک زنده به گور\* به کدامین گناه کشته شده است (تکویر/۸ و ۹).

۳. مشابه این آیه در سوره زخرف آیه هفدهم ذکر شده است؛ اما آیه بعد سوره نحل که به بحث دس در تراب دختران می‌پردازد، در سوره زخرف نیست (نحل/۵۸ و ۵۹).

۴. و نیز و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند چهره‌اش سیاه می‌گردد، درحالی که خشم [و اندوه] خود را فرومی‌خورد؛ از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبيله [خود] روی می‌پوشاند، آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند و چه بد داوری می‌کنند.

۵. ربویر، درآمدی بر انسان‌شناسی، ص ۲۸.

۶. کاتک، انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی، ص ۲۴.

۷. ربویر، درآمدی بر انسان‌شناسی، ص ۲۸.

## پیشینه

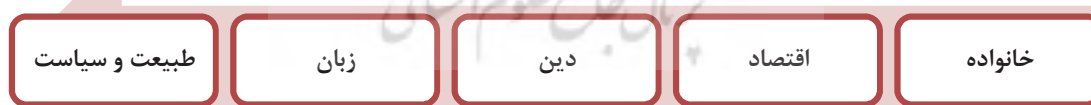
معمولاً در مطالعات قرآنی و حدیثی، مباحث مربوط به انسان‌شناسی، بیش از همه از انسان‌شناسی فلسفی یا توجه به موجودیت انسان و رابطه او با خدا و معنای زندگی استقبال شده است؛ اما مطالعه درباره انسان‌شناسی فرهنگی در قرآن و فرهنگ عرب، پیشینه‌ای کمتر از ده سال در ایران دارد. برخی قرآن‌پژوهان معاصر، عمدتاً با رویکرد تاریخی - زبان‌شناسانه و گاه فرهنگی، مفاهیم قرآنی در فرهنگ و رسوم عرب را تحلیل و بررسی کردند؛ برای نمونه مقاله‌های درباره بازخوانی مفاهیم قرآنی «سَبیل»، «رَبّا» و «فقر و غنا» به کمک انسان‌شناسی فرهنگی و اقتصادی، از این دست موارد هستند.<sup>۱</sup>

سابقه‌ای فراوان درباره تحقیق دخترکشی در قرآن و جاهلیت وجود دارد که گاه درباره مفاهیم قرآنی مانند املاق و گاه درباره تحلیل تاریخی دخترکشی انجام شده است.<sup>۲</sup> با این‌همه هیچ‌یک از این تحقیقات به بحث انسان‌شناسی فرهنگی آن توجه نداشتند. اکنون در این پژوهش برآنیم تا به کمک ویژگی‌های انسان‌شناسی فرهنگ عرب جاهلی، منشأ رسم دخترکشی را بررسی کنیم.

## الف) محورهای فرهنگی جامعه انسانی

معمولاً محققان مردم‌شناس با بررسی چند مؤلفه، قوم خاصی را از جهت انسان‌شناسی فرهنگی بررسی می‌کنند که به صورت خلاصه و قدر مشترک چند کتاب، این مبانی انتخاب شد.<sup>۳</sup> در این محورها، خانواده مهم‌ترین رکن شناسایی و آشنایی با قومیت و مردم یک جامعه است و از آنجا که این محورها در هم تنیده و به هم متصل هستند، بر اساس خانواده دیگر مبانی بررسی و مطرح شدند.

نمودار شماره ۱



۱. پاکتچی، بازخوانی انگاره ربا در قرآن با تکیه بر الگوهای انسان‌شناسی اقتصادی و بازتفسیر واژگان فقر / غنا در قرآن کریم با تکیه بر زمینه‌های انسان‌شناختی ساخت مفهوم.
۲. نک: فرجامی و دیگران، تبیین مفهوم قرآنی املاق با روش ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی؛ مهریزی و مشهدی علیپور، تحلیل قرآنی و تاریخی بر دخترکشی در دوره جاهلیت.
۳. برای تفصیل بیشتر نک: کاتک، انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی، ص ۸ - ۶؛ ریوبر، درآمدی بر انسان‌شناسی، ص ۹ - ۶.

## ۱. خانواده و زندگی در قبیله

بی‌تردید بحث دختر و فرزند در نظام فرهنگی هر قوم و جامعه‌ای در ارتباط با بحث «خانواده» سنجیده و ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر نظام و ساخت‌زیست عرب شبه‌جزیره «زندگی قبیله‌ای» بوده است؛ به نظر می‌رسد باید تحلیل انسان‌شناسی رخداد دخترکشی را با کمک این دو مفهوم بررسی کنیم. وقتی پیوندهای خویشاوندی در اقوامی مانند اعراب، برای زندگی اجتماعی نقش اساسی دارند، آن فرهنگ‌ها را «جوامع مبتنی بر نسب» می‌نامند.<sup>۱</sup> در گروه‌های قبیله‌ای معمولاً از دولت و حکومت واحد پیروی نمی‌شود و تاخت‌وتاز و جنگ بین قبایل با کشتن مردان و اسیر گرفتن زنان فراوان رخ می‌دهد.<sup>۲</sup> یکی از اصلی‌ترین تقسیم‌های انسان‌شناسان برای بررسی کارکرد خانواده در میان اقوام مختلف، توجه به دو مفهوم پدرتباری یا مادرتباری است.

اجتماعات و گروه‌های انسانی معمولاً با دو حالت پدرتباری یا مادرتباری شناخته می‌شوند. درباره شبه‌جزیره عربستان قطعاً با جامعه پدرتبار روبه‌رو هستیم؛ زیرا حقوق اجتماعی، رده‌ها، نام و نسب و نیز اموال از خلال والدین پدری یا به تعبیر انسان‌شناسان «خط همزادان پدری» انتقال می‌یابند و در این حالت کودکان به دودمان پدری و نه مادری، تعلق دارند و تنها کودکان پسری هستند که تعلق دودمانی را انتقال می‌دهند.<sup>۳</sup> در خانواده‌های پدرتبار و پدرمکانی (یعنی اقامت با خویشاوندان شوهر پس از ازدواج)، مردان خویشاوند به سبب اتحاد با یکدیگر در جنگ‌ها، امتیاز ویژه‌ای دارند.<sup>۴</sup>

نسبت خونی مهم‌ترین عامل رتبه و مراتب اعراب بوده است که به خصوص از طریق مردان منتقل می‌شود.<sup>۵</sup> شاهد اصلی برای اثبات نظام پدرتباری عرب، توجه به نسب‌نامه‌های رجالیان و محدثان موجود در کتب رجال و تراجم است که در آنها بیش از همه بر نام بردن اجداد پدری هر شخص تا چندین نسل تأکید می‌شود.<sup>۶</sup>

## ۲. کارکردهای خانواده

اگر بخواهیم کارکردهای خانواده را که انسان‌شناسان معمولاً به آن اشاره می‌کنند،<sup>۷</sup> در سایه درک نظام پدرتباری عرب نام ببریم، با این موارد و تحلیل‌ها روبه‌رو خواهیم شد:

۱. کاتک، *انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی*، ص ۵۶.

۲. برای بررسی یک نمونه از بومیان آمریکای جنوبی نک: همان، ص ۵۹۰.

۳. ریویر، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ص ۹۵.

۴. کاتک، *انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی*، ص ۶۲۸.

۵. عبدالجلیل، *تاریخ ادبیات عرب*، ص ۱۷.

۶. برای نمونه نک: نجاشی، *الرجال*، ص ۱۰، ۱۶، ۱۸ و ...

۷. ریویر، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ص ۱۰۹ - ۱۰۸.



**کارکرد تولید مثل:** یکی از طبیعی‌ترین و اصلی‌ترین وظایف خانواده‌ای که با ازدواج پدید می‌آید، تداوم بخشیدن زیستی به تبار است. از آنجاکه حفظ، ادامه و گسترش نسل برای عرب بسیار مهم است، تأکید بر کارکرد تولید مثل ارزش بسیاری پیدا می‌کند و در این میان داشتن پسران متعدد که سبب گسترش نسل و تبار برای نام و نسب پدر و شیخ قبیله شوند، اهمیت بیشتری دارد.

**کارکرد آموزش و اجتماعی کردن کودکان:** هدف اصلی این کارکرد تداوم و توسعه فرهنگ خانواده است. فرهنگ را می‌توان در دو محور علم و آموزش و سپس اعتقادات بررسی کرد. نزد عرب، علم یعنی آگاهی و دانش نسبت به ایام العرب، اشعار، انساب، کهانت و ستاره‌شناسی و اساطیر. سواد خواندن و نوشتن در میزان علامه بودن ملاک نبود؛ از این‌رو افراد و اشراف زیادی در شبه‌جزیره توانایی خواندن و نوشتن نداشتند. عرب آنچه را خود درباره زندگی عشیره‌ای یا صحراگردی آموخته یا از تجربیات نیاکان فراگرفته، به کودکان می‌آموزد تا کودکان نیز بتوانند هم آداب و رسوم بالارزش زندگی قبیله‌ای را به جای آورند و آنها را حفظ کنند و هم با به کار بستن تجربیات، بر خشونت و شرایط اقلیمی سخت صحرا و بیابان غلبه کنند. بنابراین چه در بخش انتقال فرهنگ و آداب و رسوم عشیره و چه در بخش آموختن زندگی بادیه‌نشینی، پسران نقش کلیدی‌تری در خانواده عرب دارند.

**کارکرد اقتصادی:** تداوم زندگی و حیات، با تقسیم کار و به دست آوردن مایحتاج اولیه حاصل می‌شود. نخستین معیار برای تقسیم کار بر مبنای جنسیت است؛ زیرا مردان و پسران وظیفه شکار، جنگ و جابه‌جایی دام‌ها را بر عهده دارند. انسان‌شناسان برای علت این تقسیم کار به دو دلیل اشاره می‌کنند: «شکنندگی فیزیولوژیک زنان» و «استیلاي مردان بر زنان».<sup>۱</sup>

انسان‌شناسان معتقدند نقش‌های اقتصادی بر قشربندی جنسیتی تأثیر می‌گذارند؛ زیرا وقتی زن و مرد نقش‌های تقریباً برابری در کسب معیشت دارند، قشربندی اقتصادی کاهش می‌یابد و بر عکس وقتی در این قضیه زن‌ها نقشی بسیار بیشتر یا بسیار کمتر نسبت به مردها دارند، قشربندی جنسی تشدید می‌شود.<sup>۲</sup> در جوامع قبایل صحراگرد و «گشت‌زن» هر گاه مردها در تأمین خوراک بیشتر از زن‌ها نقش داشته باشند، قشربندی جنسیتی بسیار نمایان‌تر است؛ نمونه آن درباره اینوایت‌ها، شکارگران و صیادان در نواحی قطب شمال محسوس است که زنان رتبه پایینی دارند و برخی دست به دخترکشی می‌زنند. بر عکس در جوامع استوایی که کار گردآوری مواد خوراکی توسط زنان، اهمیت بیشتری نسبت به شکار دارد، برابری جنسیتی بیشتری برقرار می‌شود.<sup>۳</sup> در بیشتر جوامع عشایری و گشت‌زن، زنان یا آبستن هستند یا مشغول نگهداری از

۱. همان، ص ۱۳۴.

۲. کاتک، انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی، ص ۶۲۲.

۳. همان، ص ۶۲۳.

کودکان که باعث کم‌حرکی زنان برای گردآوری خوراکی، شکار، جنگ و داد و ستد می‌شود.<sup>۱</sup>

مشاغل انسان‌ها معمولاً تابعی از شرایط جغرافیایی و آب و هوای سرزمین آنهاست. چندین قوم را نام بردند که شبانان کوچنده و گشت‌زن بودند؛ از جمله اعراب بدوی که از دوران باستان، با جابه‌جایی مستمر در پی آب و دشت مناسب برای دام‌های خود می‌گشتند.<sup>۲</sup>

به نظر نمی‌رسد در میان اعراب شبه‌جزیره یافتن علف و آب و کوچ دادن قبیله، از عهده زنان برمی‌آمده است. بنابراین با توجه به کارکردهای اصلی خانواده، در سازمان قبیله‌ای عرب، مهم‌ترین وظایف بر عهده مردان و پسران بوده و در این صورت به صورت طبیعی تأکید و ارزش فراوانی بر وجود پسر و جنس مذکر وجود داشته است.

### ۳. خانواده و خشونت علیه زنان

انسان‌شناسان با بررسی الگوهای فرهنگی و زیستی جوامع و قبایل پراکنده قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکا، چه دهکده‌های ابتدایی و چه شهرهای مدرن و معاصر، دریافتند در جوامع پدرتباری و پدرمکانی که زنان از حمایت پیوندهای خویشاوندی، جدا و دورافتاده هستند، اگر مردان روحیه پدرسالاری و تحقیر زنان را داشته باشند، خشونت خانگی و قتل زنان رایج می‌شود. از آنجا که در این جوامع به نقش جنگی مردانه بها می‌دهند، مردم گرایش به ترجیح پسرها بر دخترها دارند. این ترجیح در رسم دخترپچه‌کشی آشکار می‌شود؛ یعنی اگر بچه اول دختر باشد، ممکن است به قتل برسد؛ اما اگر پسر باشد به او اجازه داده می‌شود که زنده بماند.<sup>۳</sup>

در یک نمونه انسان‌شناسان هنگام مطالعه رفتار و فرهنگ مردان قبیله یانومامو آنان را جنگجویانی سرسخت توصیف کردند که هنر جنگاوری در آن بسیار باارزش و متعالی تلقی می‌شود و در مقابل ارزش زن‌ها در این قبیله به شدت پایین و کم‌منزلت است. در چنین فرهنگ و قبیله‌ای می‌توان زن‌ها را اسیر گرفت، به آنها تجاوز کرد و در تاخت و تازهای میان قبیله‌ای آنان را به قتل رساند.<sup>۴</sup> در جوامعی که زنان منزلت پستی دارند و نگهداری از آنها باری بر دوش خانواده تلقی می‌شود، دادن جهیزیه سنگین یا هدایایی که خانواده عروس برای جبران باید به خانواده شوهر بدهند، رواج دارد. در موارد متعددی، مثل رسوم مردم هند، قابل توجه و اجباری بودن جهیزیه چنان مهم است که اگر جهیزیه ناکافی باشد شوهر اقدام به سوزاندن و قتل عروس می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۶۲۹ - ۶۳۴.

۲. همان، ص ۳۰۲؛ ریویر، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ص ۱۴۷.

۳. کاتک، *انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی*، ص ۶۴۱ - ۶۴۰.

۴. همان، ص ۶۴۰.

۵. همان، ص ۵۶۴.



## ب) دین و آیین کهن

چندخدایی یکی از تقسیم‌های چهارگانه ادیان است که انسان‌شناسان انجام دادند. متخصصان حرفه‌ای چندخدایی، کاهنان نامیده می‌شوند که در میان آنها نیز سلسله مراتبی جریان دارد. در این ادیان، معمولاً خدایان انسان‌ریخت هستند و هر یک کارکرد خاصی مثل عشق، جنگ، طبیعت و... دارند. مجموعه‌ای از خدایان گوناگون و این نوع دین، در تمدن آرتک‌های مکزیک، امپراطوری‌های سلطنتی آفریقا و اعراب جنوب آسیا و نیز رم و یونان باستان تسلط داشتند.<sup>۱</sup>

### ۱. دین اعراب شبه‌جزیره

گفته شده چون اقوام عرب جنوبی و شمالی مذهب خاصی نداشتند، خدایان سرزمین‌هایی را که با آنها دادوستد داشتند، برای خود برگزیده بودند؛ از این رو اغلب ستاره‌پرست و خورشیدپرست شده بودند و تعداد خدایان آنها از خدایان روم و یونان کمتر نبود.<sup>۲</sup>

یکی از اصلی‌ترین مناسک اعراب برای بت‌ها و خدایان خود، قربانی کردن و ریختن خون روی سنگ‌ها (انصاب) بود. این انصاب گاه به صورت سنگ‌های کوچک‌تر اطراف بت اصلی و بزرگ قرار داده می‌شود تا خون قربانی روی آنها کشیده شود و گاه خود انصاب مورد پرستش بودند و به خون آغشته می‌شدند؛ یعنی این سنگ‌ها هم قربانگاه محسوب می‌شدند و هم معبود.<sup>۳</sup>

بنابراین یکی از انگیزه‌های اصلی برای قتل اولاد و نیز زنده به گور کردن دختران، انگیزه دینی بوده که سبب شده عرب جاهلی با رویکردی از پیش توجیه شده، دست به فرزندکشی بزند؛ زیرا به نظر می‌رسد این رسم بقایای آداب و رسوم دینی است که در مذهب روزگار کهن وجود داشته است. در این دین و مذهب، قربانی‌های انسانی به معبود و الهه تقدیم می‌شده است تا خیر جامعه و تندرستی انسان‌های دیگر تضمین شود.<sup>۴</sup>

در قرآن نیز این مفهوم آمده است که برخی «شرکاء» اعراب جاهلی، قتل اولاد را در نظر آنها زینت داده بودند؛ درحالی‌که اعراب جاهلی برای این «شرکاء» سهمی از کشتزار و حیوانات خود در کنار سهم خداوند، قرار داده بودند: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا

۱. همان، ص ۶۷۴.

۲. لوبون، *تمدن اسلام و عرب*، ص ۱۱۲ - ۱۰۶.

۳. عبدالجلیل، *تاریخ ادبیات عرب*، ص ۲۰.

۴. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۹، ص ۹۷.

لِشُرَكَائِنَا ... \* وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ...<sup>۱</sup>. مفسران این شرکاء را به الهه‌ها، بت‌ها یا خدمتگزاران بت‌خانه‌ها (سدنه الاصنام) تفسیر کردند.<sup>۲</sup>

در آیات دیگر تصریح می‌شود که عرب جاهلی برخی از اموال کشاورزی یا انعام خود را به نام الهه‌ها نذر و مصرفش را ممنوع می‌کرد.<sup>۳</sup> آنان علت عبادت و پرستش این الهه‌ها را تقرب جستن به «الله» می‌دانستند: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى».<sup>۴</sup>

## ۲. بت ود

«ود» بتی بزرگ، نماینده نیروی مردانه مجسم‌یافته به صورت مردی نیرومند با شمشیر و کمان،<sup>۵</sup> یکی از اصلی‌ترین الهه‌های عرب بوده است. این اله بزرگ‌ترین خدا از میان خدایان سه‌گانه عرب در حکومت باستانی معینیان (۱۳۰۰ - ۶۳۰ ق م) در شبه‌جزیره بوده است.<sup>۶</sup> این خدا چنان جایگاه و اعتباری داشته که چندین مورد معماری و ساختن دیوارهای بزرگ و ساختمان عظیم برای معبد و پرستشگاه آن ثبت شده است؛ از جمله قربانگاهی که قربانی را روی آن قرار می‌دادند یا سر می‌بردند.<sup>۷</sup> تاریخ‌نویسان مسلمان آورده‌اند بت «ود» که از بت‌های ساخته‌شده توسط انسان‌های قبل از نوح عليه السلام بوده، به دست برخی قبایل عرب از جمله بنی کلب و بنی قضاعه می‌رسد. آنان این بت را به شمال غربی شبه‌جزیره و منطقه دُومه الجندل، بین مدینه و دمشق، می‌برند و معبد و پرستشگاهی برایش می‌سازند و پسران خود را برای نسبت به این بت «عبد ود» نام‌گذاری می‌کنند.<sup>۸</sup>

نکته اساسی و قابل استفاده درباره این خدای سنگی، آن است که طبق گزارش‌های تاریخی، قبایل دومه الجندل، هر ساله کودکی را قربانی می‌کردند و زیر محرابی که برای پرستش بت استفاده می‌کردند، کودک را دفن می‌کردند.<sup>۹</sup> از اکتشافات باستان‌شناسی در شبه‌جزیره، مهره‌های سوراخ‌داری به دست آمده که نام «ود» بر

۱. «و [مشرکان،] برای خدا از آنچه از کشت و دام‌ها که آفریده است سهمی گذاشتند، و به پندار خودشان گفتند: "این ویژه خداست و این ویژه بتان ما" ... و این گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندان‌شان را آراستند» (انعام / ۱۳۷ - ۱۳۶).

۲. طوسی، *التبیین*، ج ۴، ص ۲۸۴؛ زمخشری، *الکشاف*، ج ۲، ص ۶۹.

۳. انعام / ۱۳۸؛ نحل / ۵۶.

۴. «و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند [به این بهانه که: ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم» (زمر / ۳).

۵. ابن کلبی، *کتاب الاصنام*، ۵۶.

۶. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۳، ص ۱۱۵؛ همو، ج ۱۱، ص ۲۵۷.

۷. نک: جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۳، ص ۱۱۷ و ۱۹۰.

۸. ابن کلبی، *کتاب الاصنام*، ۵۵ - ۵۱.

آنها حک شده و زنان برای تعویذ و تبرک بر گردن کودکان می‌آویختند.<sup>۱</sup> این پدیده می‌تواند نشانگر این امر باشد که اله «وَدّ» از جهاتی برای سلامتی کودکان مؤثر پنداشته شده و از سوی دیگر برای تقرب به آن، کودکان قربانی و دفن می‌شدند. در پژوهش‌های زبان‌شناسانه اخیر نیز روشن شده که واژه قرآنی «املاق» (در آیه لا تَقْتُلُوا اولادکم من خشیه املاق) در حقیقت نام بتی است که برخی مردمان اقوام بین النهرین و شاخ آفریقا، آن پرستش می‌کردند و مهم‌ترین ویژگی این خدای باطل، قربانی کردن کودکان خردسال و گاه نوزاد برای آن بود و معابد کشف‌شده کنونی حکایت از صندوقچه‌های حاوی استخوان نوزدان دارد.<sup>۲</sup>

درهم آمیختگی مذهبی در بیشتر گروه‌ها و ادیان رخ داده است؛ در حقیقت درهم آمیختگی‌ها، آمیزه‌های فرهنگی‌ای هستند که در اثر فرهنگ‌پذیری و مبادله عناصر فرهنگی، در زمان تماس مستقیم فرهنگ‌ها پدیدار می‌شوند. نمونه درهم آمیختگی مذهبی را می‌توان در ترکیب قدیسان آفریقایی ادیان بومی و قدیسان کاتولیکی مسیحیت و تشکیل کیش‌های «وودو» در برزیل نمونه دیگر ایجاد کیش‌های کالا دید.<sup>۳</sup> پس از ورود اروپاییان همراه با کالاهای عجیب عصر جدید مانند خوراک‌های کنسروی، رادیو، ساعت و... به آفریقا مردم ملانزی و گینه نو، با تقلید از برخورد و چگونگی استفاده اروپاییان با این کالاها می‌کوشیدند به دانش و اسرار داشتن این کالاها پی ببرند. برای نمونه بومیان به صورت نمادین باندهای پرواز موقت می‌ساختند تا هواپیماهای حامل کالاهای اروپایی در آن بنشینند و اطراف آن مراسم‌های آیینی و جادویی مذهب خود را اجرا می‌کردند تا با خدایان ارتباط برقرار کنند. در اسطوره‌های ملانزیایی از نیاکانی سخن می‌گفتند که پوست می‌اندازند و به هستی‌های قدرتمند تبدیل می‌شوند.<sup>۴</sup>

سرزمین دومه الجندل را از مناطق تحت سلطه امپراطوری روم باستان معرفی کردند؛<sup>۵</sup> از این رو بعید نیست که آداب و رسوم مذهبی روم باستان در این مناطق رسوخ کرده و آیین قربانی کردن فرزند و دفن در معبد الهه، از امپراطوری شرقی وارد شبه‌جزیره شده باشد. قرینه‌ای که این امر را تأیید می‌کند گزارش‌هایی است که نشان می‌دهند «وَدّ» خدای مورد پرستش اقوام و ملل دیگر مانند ثمود و مردمان یونان باستان بوده است.<sup>۶</sup> به هر روی روشن است که در قبایل ساکن دومه الجندل، به‌ویژه کلبی‌ها که سدانت معبد «وَدّ» را به عهده داشتند، واد دختران فراوان رخ می‌داده و با این پدیده از نزدیک آشنا بوده است؛ بر این اساس،

۱. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۱، ص ۵۴.

۲. برای مطالعه بیشتر نک: فرجامی، تبیین مفهوم قرآنی *املاق* با روش ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی.

۳. کاتک، *انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی*، ص ۶۸۰.

۴. همان، ص ۶۸۲ - ۶۸۱.

۵. مقدسی، *البدء والتاریخ*، ج ۴، ص ۲۱۴.

۶. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۳، ص ۲۶۳؛ و همو: ج ۱۱، ص ۳۳۴.

ابن کلبی (۲۰۴ ق) که خود از قبیله بنی کلب بوده و از قول نیاکانش وصف بت وَدّ را شرح داده، کتابی مستقل درباره دختران زنده به گور شده به نام «الموؤودات» نوشته است.<sup>۱</sup>

برخی نیز گفته‌اند قریش نیز بت «وَدّ» را پرستش می‌کرد.<sup>۲</sup> احتمالاً رواج نام «عبد وَدّ» در میان قریشیان به این امر اشاره دارد؛ زیرا عبدود از اشراف قریش بوده و عمرو بن عبدود همان کسی است که در جنگ خندق توسط امام علی (ع) کشته شد.<sup>۳</sup> بنی‌وبره نیز «وَدّ» را خدای خود انتخاب کرده بودند و برای دومه الجندل و خادمان این بت، یعنی بنی کلب، فدیّه و هدیه می‌فرستادند.<sup>۴</sup> از سوی دیگر در کتیبه‌های عرب جنوبی نیز نوشته‌ها و دعا‌هایی یافت شدند که نشان از پرستش و احترام آنان نسبت به خدای عرب شمالی، «وَدّ»، و نفوذ آیین و مراسم‌های این خدا میان عرب حضرموت و یمن جنوبی دارد.<sup>۵</sup>

### ج) منشأ رسم دخترکشی در متون کهن عربی

مطالعه موضوعی آیات قرآن عواملی همراه با بررسی دیدگاه مفسران و مورخان برای پدیده واد دختران در میان عرب، نشان می‌دهد سه عامل اصلی برای این رخداد وجود دارد: «عار»، «فقر» و «امور ماورائی».

#### ۱. عار

نخستین و مهم‌ترین دلیلی که همه کتاب‌های تفسیری، لغوی و تاریخ عرب به آن اشاره کردند **مَخَافَةُ الْعَار** (از ترس ننگ) است. قرآن تصویر واضحی درباره این حالت و احساس عربی که صاحب دختر شده، به دست می‌دهد. مردی که خبردار شده نوزادش دختر است، چهره‌اش از خشم و اندوه تیره می‌شود و به شدت احساس خواری و حقارت (هون) می‌کند تا جایی که نمی‌داند چگونه دختر را در خاک بپوشاند.<sup>۶</sup> در جملات مشهور عرب آمده که هنگام تبریک به سبب دختردار شدن مرد عرب برایش دعا می‌کردند: «آمنکم الله عارها، و کفاکم مؤنتها، و صاهرتم القبر».<sup>۷</sup>

معمولاً عار و ننگ در صورت دختردار بودن و در نتیجه میل به واد، از نظر عرب در سه حالت رخ

۱. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۲۵.

۲. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۶، ص ۴۷۹۴.

۳. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۳۴۵.

۴. ابن حزم، *جمهرة أنساب العرب*، ج ۲، ص ۴۹۲.

۵. نک: جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۳، ص ۱۹۴ و ۳۲۲؛ همان: ج ۴، ص ۵۵.

۶. نحل / ۵۹ - ۵۸.

۷. خدا شما را از ننگ دختر حفظ کند و از رنج هزینه‌اش کفایت کند و دامادتان قبر باشد.

۸. راغب اصفهانی، *محاضرات الأدباء*، ج ۱، ص ۳۹۷.

می‌دهد: الف. اسارت و بردگی (خوف السبی و الاسترقاق) به‌خصوص هنگام جنگ و غارت؛ ب. از شدت غیرت و حسادت (لاجل الحمیه)، که این صفت به‌ویژه میان چادرنشینان و اهل بادیه باعث افتخار بوده است؛ ج. تا هر کسی از آنها خواستگاری نکند و نسب و نژادشان آلوده نشود: «کَیْلَا یُخْطَبْنَ إِلَیْهِمْ».<sup>۱</sup>

**الف) اسارت:** غرور و افتخار عرب همواره عنصر مهمی برای رجزخوانی و هم‌اوردطلبی بود و نقطه ضعفی که این غرور را خدشه‌دار و لکه‌دار می‌کرد، «زن» بود. زنان چه شامل دختران و چه شامل همسران، از آن جهت که در جنگ‌ها و غارت بین قبایلی مورد دستبرد قرار می‌گرفتند و به اسارت و کنیزی برده می‌شدند، نیاز به توجه و مراقبت دائمی داشتند. از این‌رو هنگام تولد و افزوده شدن شمار جمعیت قبیله، تولد پسر بیشتر مورد توجه و انتظار بود.

در برخی اخبار آمده نخستین کسی که در عرب سنت واد دختران را بنا نهاد، قیس بن عاصم منقری بزرگ قبیله بنی‌تمیم بود که بر اثر یک ماجرای جنگ و غارت این تصمیم را گرفت. قبیله همسایه به بنی‌سعد حمله کرد و زنانی از این قبیله، از جمله دختر خواهر قیس بن عاصم (در نقل دیگر از دختر و گاه همسر قیس بن عاصم یاد می‌شود)،<sup>۲</sup> را به اسارت و سرقت برد؛ قیس برای باز پس گرفتن آنها می‌رود و رئیس قبیله حق انتخاب برای بازگشت را به زن می‌دهد و زن از بازگشت، سر باز می‌زند. پس از این ماجرا قیس همه دخترانی که برایش به دنیا می‌آمدند، واد کرد: «یئدھا خوفا من الفضيحة».<sup>۳</sup>

**ب) غیرت:** شرح حال برخی شعرا و بزرگان عرب، به‌ویژه اعراب بادیه‌نشین، نشان می‌دهد غیور بودن و حمیت داشتن نسبت به زنان، حسن و ویژگی مثبت و باعث افتخار عرب معرفی شده است: «وکان رجلا غیورا موصوفا بشدة الغيرة».<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد منظور از غیرت درباره زنان، رشک ورزیدن و بسیار سخت گرفتن به زنان و نیز کمتر مهربان بودن با آنهاست. درباره قیس بن عاصم که پیش از این به عنوان نخستین وادکننده عرب از او یاد شد، گفته شده:

وقتی نزد پیامبر آمد، رسول خدا در خانه یکی از دخترانش بود و او را نوازش می‌کرد ... قیس گفت: «به خدا سوگند پسران بسیاری داشتم و دخترانی که آنها را واد کردم، اما هیچ‌گاه آنها را نبوسیدم». پیامبر فرمود: «آیا این به این دلیل نیست که خداوند رحمت و مهربانی را از قلب تو جدا کرده است».<sup>۵</sup>

۱. طبرانی، التفسیر الکبیر، ج ۶ ص ۴۴۸.

۲. نک: همان؛ بیهقی، معارج نهج البلاغة، ص ۳۶۳.

۳. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۴، ص ۷۲.

۴. شریف مرتضی، الامالی، ج ۱، ص ۳۷۳.

۵. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۴، ص ۷۲.

ج) ازدواج: میان اقوام اینکای پرو، مصر باستان و بومیان هاوایی، این رسم درباره ازدواج وجود داشت که زناشویی بین خواهران و برادران خاندان سلطنتی جایز است؛ زیرا نیروی «مانا» این افراد را از دیگر انسان‌های عادی متمایز می‌کند. نیروی مانا در انسان باعث ایجاد شخصیت و موهبت الهی برای فرمانروایان می‌شود. نیروی مانا ارتباط زیادی با تبار و نسب فرد دارد؛ از این رو بعد از شخص شاه، مانای فرزند شاه از همه بیشتر است و شایسته‌ترین فرد برای همسری با یک شاه خواهر تنی اوست.<sup>۱</sup> انسان‌شناسان معتقدند کارکرد پنهان این نوع ازدواج که مردم بومی به آن پی نمی‌بردند، آن بود که با ازدواج شاه و خواهرش، مانای الهی این خاندان بسیار قدرتمند می‌شود و هیچ رقیبی نمی‌توانست برای فرمانروایی ادعا کند؛ اما در صورت ازدواج خواهر شاه با فرد دیگر، فرزندان این خواهر می‌توانستند تا اندازه‌ای ادعای نیروی مانا و فرمانروایی داشته باشند.<sup>۲</sup>

با همین قیاس، می‌توان فضای فرهنگی برخی جوامع اعراب بادیه‌نشین را که بر پاکی و خلوص خون، نژاد و نسب تعصب داشتند و از ازدواج دخترانشان با افراد دیگر بیمناک بودند، درک کرد. این جمله مشهور از اعراب نقل شده که نشان می‌دهد یکی از دلایل قتل دختران، بیم داشتن برای یافتن داماد هم‌کفو بوده است: «و قالوا: لا تقتلهنّ عجزاً عن الاتفاق علیهنّ، و لكن مخافة ان يتزوجن غیر الاکفاء».<sup>۳</sup> ماجرای واد دختران توسط قیس بن عاصم به دفعات و به شکل‌های مختلف در کتاب‌های روایی و تفسیری تکرار شده است. طبق یک نقل وقتی قیس بن عاصم نزد پیامبر اعتراف کرد که دوازده دختر را واد کرده است، ابوبکر پرسید: «چرا چنین کردی تو که مال فراوان داشتی؟» قیس پاسخ داد: «از بیم آنکه کسی مانند تو آنها را به ازدواج خود درآورد».<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، معمولاً نتیجه عامل دوم یعنی افراط در سختگیری بر زنان، سبب می‌شده پدران دختران خود را از شدت غیرت و تعصب به ازدواج مرد دیگری در نیاورند. برای نمونه در شرح حال ذوالاصبع، از حاکمان عصر جاهلیت، آمده: «کان ذو الإصبع العدواني رجلاً غیوراً، و کانت له بنات أربع، و کان لا یزوجهن غیره».<sup>۵</sup>

## ۲. فقر

معمولاً مفسران و مورخان، بعد از عار، یکی از دلایل اصلی واد دختران را «مَخافة الحاجة، الفاقة، العیلة و

۱. کاتک، انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی، ص ۵۶۲ - ۵۶۰.

۲. همان، ص ۵۶۲.

۳. علی بن زید بیهقی، معارج نهج البلاغة، ص ۳۶۳.

۴. راغب اصفهانی، محاضرات الأدباء، ج ۱۴، ص ۷۲.

۵. مبرد، الکامل فی اللغة والأدب، ج ۲، ص ۱۱.



الجوع» می‌دانند<sup>۱</sup> که همگی به معنای بیم از نیاز و نداری و گرسنگی یا به عبارت کلی‌تر «فقر» است. در چندین آیه از قرآن به مفهوم فرزندکشی به سبب «فقر» اشاره شده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ»<sup>۲</sup> و «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»<sup>۳</sup>. تقریباً همه مفسران، املاق در این دو آیه را به معنای فقر و نداری تفسیر کردند.<sup>۴</sup>

گرچه اینجا باید افزود که دلیل دوم و سوم، یعنی فقر و امور ماورائی، برای انگیزه قتل دختر و پسر مشترک است و منظور از قتل اولاد، معمولاً هم دختر و هم پسر بوده است.<sup>۵</sup> قحطی در میان اعراب مسئله‌ای شایع و شناخته شده بود. در تاریخ آمده است که مردم سال‌های قحطی را پشت سر گذاشتند و این سال‌ها بر همه، خصوصاً فقرا، بسیار سخت گذشت. در آن زمان شخص فقیر و محتاجی که توان جسمی و مالی برای امرار معاش خود و خانواده‌اش و از طرفی شغل و درآمدی نداشت، تنها راه گذر از قحطی را قتل فرزندان خود می‌دانست. گاهی این قتل اولاد به صورت انتخابی بوده است؛ مثلاً والدین، از بین فرزندان خود مولود ناتوان و ناقص الخلقه را می‌کشتند.<sup>۶</sup>

### ۳. دین و اعتقادات

یکی از ویژگی‌های بارز مناسک در جوامع انسانی آن است که در مکان و زمان خاص و با سبک تکرارشونده، همراه با نیایش‌های منظم انجام می‌شود.<sup>۷</sup> در واقع مناسک کنش‌های اجتماعی هستند که نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان در آن، سامان و اخلاق مشترکی را قبول دارند که فراتر از جایگاه فردی است. آنچه که ماورای جهان مادی و زندگی عادی عرب، سبب و انگیزه واد دختران می‌شده و معمولاً به اعتقادات و باورهای آنان بسته شده، در این عامل می‌گنجد که خود دو دسته است. نخست بنا بر اعتقادات مذهبی و صفاتی که برای خداوند قائل بودند، گمان می‌کردند ملائکه دختران خدا هستند. دوم آنکه عرب به خرافات بسیار اعتقاد داشت و خوش‌یمنی و بدیمنی و فال بد زدن را سبب بسیاری از تصمیم‌ها و کارهایش قرار می‌داد.

۱. نک: بغوی، *معالم التنزیل*، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲. *إسراء* / ۳۱.

۳. *انعام* / ۱۵۱.

۴. برای نمونه نک: مکی بن ابیطالب، *الهدایه الی بلوغ النهایه*، ج ۶ ص ۴۱۸۸؛ زمخشری، *الکشاف*، ج ۲، ص ۷۹؛

ابن عطیه، *المحرر الوجیز*، ج ۳، ص ۴۵۲.

۵. فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۶. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۹، ص ۹۸.

۷. کاتک، *انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی*، ۶۵۶.

### یک. صفات خدا

یازده آیه در قرآن نشان می‌دهد که عرب جاهلی دختران را به خداوند نسبت می‌دادند و ملائکه را دختران خدا می‌دانست: «وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ»<sup>۱</sup> و «وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا»<sup>۲</sup> در همه آیات خداوند بعد از بیان اعتقاد اعراب، آن را سرزنش و تقبیح می‌کند. معمولاً مفسران به سه روش، ربط این آیات و باور جاهلی عرب با واد دختران را تفسیر کردند:

**تفسیر اول: جنس مؤنث دختران خدا:** گفته شده چون عرب به‌طور کلی جنس مؤنث را دختران خدا می‌دانست، گمان می‌کرد دختران خود را نیز باید زنده به گور کنند تا نزد خداوند بازگردانده شوند: «إن الاناث بنات الله فالحقوا البنات بالله فهو أحق بها منا»<sup>۳</sup>. البته این دسته‌بندی از باب احترام و جایگاه قائل شدن برای جنس مؤنث نبوده است؛ بلکه بنا بر آنچه که دوست داشته عمل کرده است. قرآن این تقسیم‌بندی اعراب را، ستمکارانه می‌خواند: «تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى»<sup>۴</sup>.

**تفسیر دوم: ملائکه دختران خدا:** طبق تفسیر دیگری که رایج‌تر است، عرب چون ملائکه را دختران خدا می‌دانست، دختران را واد می‌کردند تا به خداوند و دختران حقیقی‌اش (ملائکه) ملحق شوند؛ زیرا به نظر می‌رسید خدا دختر بیشتر دوست دارد و شایسته‌تر است برای داشتن دختر: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَنَاتُ اللَّهِ، فَأَلْحِقُوا الْبَنَاتِ بِهِ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِنَّ»<sup>۵</sup>. این عبارت را در تعبیر خلاصه‌تر می‌گفتند: «الحقوا البنات بالبنات» و گفته شده این اعتقاد در دو قبیله خزاعه و کنانه بیشتر رایج بوده است.<sup>۶</sup>

**تفسیر سوم: انتقام خدا از اعتقاد عرب:** طبق تفسیر دیگری که کمتر رواج دارد، گفته می‌شود چون عرب جاهلی دختران را به خداوند نسبت می‌دادند، خداوند بغض و کینه دختران را در دل اعراب قرار داد؛ از این‌رو معمولاً عرب بر تن دختر پیراهنی از دلق و پشم می‌کرد و او را به سبب کینه‌ای که از دختر داشت، به چوپانی گوسفندان وامی‌داشت.<sup>۷</sup> بر این اساس اعراب جاهلی، به سبب عاملی بیرونی و اجباری، نسبت به دختران خود رحم و محبتی نداشتند و زنده به گور کردن دختر خود را به راحتی و عادی انجام می‌دادند؛ در حالی که

۱. نحل / ۵۷.

۲. زخرف / ۱۹.

۳. برای دیگر آیات نک: انعام / ۱۰۰؛ اسراء / ۴۰؛ زخرف / ۱۶؛ صافات / ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۵۳؛ طور / ۳۹؛ نجم / ۲۱ و ۲۷.

۴. شریف مرتضی، الامالی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۵. نجم / ۲۲.

۶. زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۷۰۸.

۷. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۶.

۸. مکی بن ابیطالب، الهدایه الی بلوغ النهایه، ج ۱۲، ص ۸۰۸۳.

به‌طور ذاتی و طبیعی همه انسان‌ها به مهر و محبت بیشتر به دختران‌شان تمایل دارند؛ زیرا لطافت و ضعف جسمی آنها را درمی‌یابند.

## دو. شوم بودن

یکی از اعتقادات و رسم‌های رایج عرب، عادت به تَفَال و تَشَام زدن با کمک نشانه‌ها و حوادث روزمره بوده است. آنان دختران رنگین‌چشم یا دارای ویژگی‌های خاص و متفاوت جسمی را دوست نداشتند و شوم می‌دانستند؛ از این رو برای واد آنها انگیزه پیدا می‌کردند. گفته شده نوزادان دختر با چشمان سبز یا آبی، یا دارای لکه‌هایی روی پوست، ابرص و فلج را دفن می‌کردند.<sup>۱</sup> در یک گزارش تاریخی مربوط به اشراف قریش در مکه، «سوداء<sup>۲</sup> بنت زهره» که از بستگان مادری پیامبر ﷺ بوده، هنگام تولد زرقاء و شیماء (چشم‌آبی با پوست لکه‌دار) بوده که سبب شده پدرش، زهره بن کلاب، او را برای واد به «حَجُون»<sup>۳</sup> بفرستد.<sup>۴</sup> در نقل دیگر زهره پس از سه پسر که هر سه در کودکی می‌میرند، سوگند می‌خورد اگر صاحب دختر شد آن را زنده به گور کند؛ هر چند قریش او را از این تصمیم نهی می‌کنند: «عرب این اقدام را به سبب فقر انجام می‌دهد در حالی که تو ثروت فراوانی داری». با این‌همه زهره عزم این کار را دارد تا آنکه خوابی پیشگویانه درباره این دختر می‌بیند، پس از آن منصرف می‌شود و سوده از زنان پیشگو، کاهن و شاعره قریش شده و ازدواج می‌کند.<sup>۵</sup>

## د) جغرافیای دخترکشی در جوامع انسانی و جامعه اعراب

به جز اعراب شبه‌جزیره عربستان، دخترکشی رسمی است که در برخی از اقوام و مردم سرزمین‌های دیگر گزارش شده است و گاه تا عصر حاضر ادامه دارد.

### ۱. دیگر اقوام

توداها (toda) یکی از اقوام هندی ساکن کوه‌های تبت، رسم دخترکشی دارند که منجر به کمبود جنس مؤنث و رواج چندشوهی میان آنان شده است.<sup>۶</sup> قوم ابتدایی اینوایت که در نواحی قطب شمال پراکنده‌اند

۱. جواد علی، *المفصل*، ج ۹، ص ۸۸.

۲. در نقل‌های دیگر او را سوده می‌نامند (جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ص ۸۹).

۳. حجون نام کوهی نزدیک مکه بوده که در حقیقت قبرستان قدیمی مکه محسوب می‌شده است (ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۳، ص ۱۰۹).

۴. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۹، ص ۸۹؛ ج ۱۲، ص ۲۴۷.

۵. محمد بن حبیب بغدادی، *المنطق فی أخبار قریش*، ص ۳۳۶.

۶. ریویر، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ص ۱۱۰.

نیز به سبب مرگ ناشی از خطرات جانی مردان در مواجهه با طبیعت خشن قطب، بیشتر جمعیت زنانه دارند و برای تعادل جمعیت به رسم خشن دختر بچه کشی دست می‌زنند.<sup>۱</sup> با این‌همه مردان در صورت تمکن مالی، چند همسر اختیار می‌کنند و در صورت مواجهه با زن دزدی از سوی دیگر دسته‌ها، به انتقام خونین کشتن دست می‌زنند که گاه قتل‌های خونین به صورت متقابل از سمت افراد قبیله مخالف تا سال‌ها ادامه پیدا می‌کند. از این جهات می‌توان خشونت فزاینده نسبت به دختران و زنان و در عین حال نقطه ضعف داشتن نسبت به آنها را مشابه اقوام عرب بادیه‌نشین دانست.<sup>۲</sup>

## ۲. جغرافیای دخترکشی اعراب

مفسران درباره قبیلی که دختران را واد می‌کردند، آرای بسیار مختلف و متناقضی مطرح کردند که هم شامل عرب جنوب و هم عرب شمال می‌شود. آنان قبایل بنی‌تمیم، ربیع، خزاعه، کنانه، کنده و برخی زیرمجموعه‌های مضر مانند قیس، هذیل، اسد و بکر بن وائل را نام بردند.<sup>۳</sup> با این‌همه داوری جواد علی بیش از همه درست می‌نماید که ربیع و مضر چون بیش از دیگر قبایل، بادیه‌نشین و صحراگرد بودند و بدویت بر زندگی آنها غلبه داشت، برای بیشتر دختران را رسم واد البنات به جا می‌آوردند.<sup>۴</sup> چندین قرینه، سخن جواد علی را تأیید می‌کنند. نخست آنکه در نقل مشهوری که از ماجرای نجات جان دختران زنده به گور توسط صعصعه بن ناجیه، جدّ فرزددق، بیان شده، آمده که او دو شتر گم‌شده‌اش را در بیابان و نزد مردمی از قبیله «مضر» یافته است که مشغول واد دختر تازه به دنیا آمده بودند.<sup>۵</sup> دیگر آنکه روایتی از پیامبر نقل شده که قبایل مضر را نفرین به خشکسالی کرده است و شارحان یکی از علت‌های این نفرین را عادت واد در این قبیله دانستند.<sup>۶</sup> از سوی دیگر صد سال بعد از ظهور اسلام، برخی از بزرگان بادیه‌نشین قیس عیلان از قبایل مضر، همانند عقیل بن علفه که اشعار مشهوری علیه دخترانش سروده است، همچنان آرزوی در خاک پنهان کردن دخترانشان را دارند.<sup>۷</sup>

جدول زیر بر اساس گزارش‌های وادی تدوین شده که به صورت پراکنده نقل شدند و برخی از ماجراهای آنان، در متن همین پژوهش گزارش شد. شایان ذکر است از بررسی صحت و سقم تاریخی گزارش‌ها، صرف نظر شد و اصل بر صحت است.

۱. کاتک، *انسان‌شناسی*، ص ۵۸۵.

۲. لوبون، *تمدن اسلام و عرب*، ص ۵۳۴.

۳. نک: سمعانی، *تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۱۴۹.

۴. جواد علی، *المفصل*، ج ۹، ص ۹۱.

۵. نویری، *نهاية الأرب*، ج ۳، ص ۱۲۲.

۶. شُریشی، *شرح مقامات الحریری*، ج ۳، ص ۵۱.

۷. نک: ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۴۱، ص ۲۸ و ۳۲.

### جدول شماره ۱

نام قبیله	زمان	ماجرای واد
قبایل دومه الجندل به خصوص بنی کلب	۱۳۰۰ - ۶۳۰ قبل میلاد مسیح	قربانی برای «وَدّ»
بنی وبره از بنی قضاچه	نامعلوم	قربانی برای «وَدّ»
بنی تغلب از بنی عدنان	صد سال قبل هجرت	مهلهل بن ربیع <sup>۱</sup>
قریش	سه نسل قبل پیامبر	سوداء بنت زهره
سعدالعشیره مذحج از بنی قحطان	در گذشته به جاهلیت نزدیک اسلام	ملیکه مادر سلمه بن یزید جعفی <sup>۲</sup>
بنی مجاشع از بنی تمیم	صحابی	صعصعه بن ناجیه
قریش	صحابی	یزید بن عمرو بن نفیل
منقری از بنی تمیم	صحابی	قیس بن عاصم
بنی حنظله از بنی تمیم	صحابی	نعیم بن قعب <sup>۳</sup>
قریش	صحابی متوفای ۲۳ ق.	عمر بن خطاب <sup>۴</sup>

آنچه در جدول جلب توجه می‌کند و چندان انتظار نمی‌رود، تکرار نام قبیله قریش است؛ اما حقیقت آن است که برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد قریش و مکیان، حتی جای خاصی برای واد دختران داشته‌اند که به صورت معمول کنار قبرستان قدیمی مکه بوده است. گفته شده قریش در کوهی نزدیک مکه به نام «ابودلامه» دختران را واد می‌کرد.<sup>۵</sup> در وصف موقعیت ابودلامه آورده‌اند که مشرف به کوه حجون بوده و قبرستان شهر مکه در حجون قرار داشته است.<sup>۶</sup> طبق برخی گزارش‌ها، مردم مکه در عصر جاهلیت

۱. مهلهل بن ربیع (حدود ۱۰۰ قبل هجرت) از بنی تغلب که زیرمجموعه عرب عدنانی است، از شاعران و جنگجویان جاهلیت بوده است (عمر کحاله، معجم قبائل العرب، ج ۲، ص ۵۹۶). مهلهل در نقلی به همسر باردارش دستور می‌دهد اگر فرزندش دختر بود او را به قتل برساند (ابوالفرج اصفهانی، *الغانی*، ج ۱۱، ص ۵۴).

۲. سلمه بن یزید جعفی و برادرش از تیره‌های سعد العشیره قبیله مذحج نزد پیامبر می‌آیند و از اعمال و رفتار مادرشان که در گذشته، تعریف می‌کنند؛ از جمله می‌گویند وی دختر کوچکش را واد کرده است (ابن اثیر، *أسد الغابة*، ج ۲، ص ۳۴۱).

۳. نعیم بن قعب ریاحی از بنی حنظله زیرمجموعه قبایل بنی تمیم (ابن ماکولا، *اکمال الکمال*، ج ۱، ص ۱۰) از کسانی است که به اعتراف خود دخترانش را واد کرده است و برای اینکه بدانند چگونه می‌تواند آن را جبران کند، نزد ابودر غفاری رفته است (احمد بن حنبل، *المسند*، ج ۵، ص ۱۵۰). نعیم بن قعب را از اعراب ساکن بادیه معرفی کردند (ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۳۳) و به همراه پسرانش در جاهلیت ماجراهایی در جنگ‌های بین قبایل داشته‌اند (ابوالفرج اصفهانی، *الغانی*، ج ۲۲، ص ۴۲۸)؛ از جمله آنکه آورده‌اند در جنگی بین قبیله‌اش با قبیله طيء او به طلب زنان اسیرشده قبیله می‌رود؛ اما یک زن، به رغم خواهش شخصی نعیم از وی، باز نمی‌گردد و ماندن در قبیله طيء را انتخاب می‌کند؛ سپس نعیم، زن را لعن می‌کند (بلادری، *انساب الاشراف*، ج ۱۲، ص ۱۷۹).

۴. درباره واد دختران توسط عمر، روایات معتبری در دست نیست؛ تنها در برخی منابع قرون میانی به بعد آمده است که وی در جاهلیت دخترش را واد کرده است (طوسی، *الخلاف*، ج ۵، ص ۳۲۳).

۵. ابشیهی، *المستطرف*، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶. ابن حمدون، *التذکرة الحمدونیة*، ج ۷، ص ۳۳۳.

همواره صدای فریاد جنیان را از کوه ابودلامه می‌شنیدند.<sup>۱</sup> احتمال دارد صداهایی که مکیان، داد و فریاد اجنه تصور می‌کردند، در حقیقت پژواک صدای جیغ و ناله‌ها و گریه‌های دختران در حال زنده به گور شدن بوده که از دل زمین و گودال و دره‌ها برمی‌خاسته و در دیواره‌های کوه بازتاب داشته و به گوش می‌رسیده است.

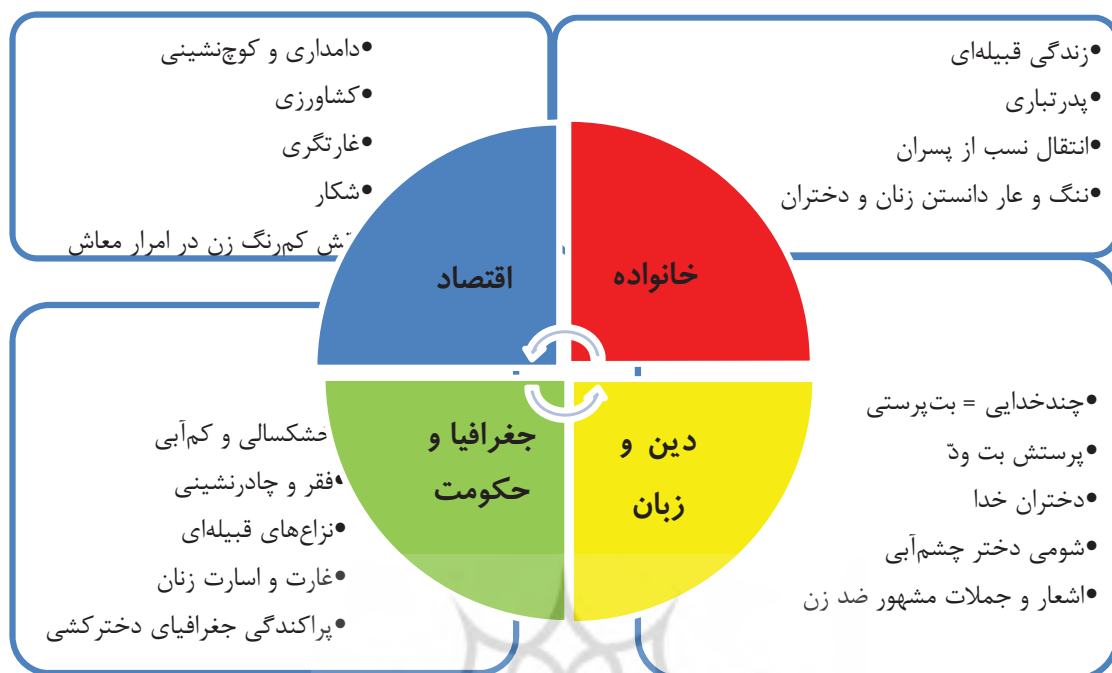
## ه) برآیند

اگر محورهای مردم‌شناسی محققان را در نظر بگیریم، اصلی‌ترین عامل دخترکشی عرب جاهلی ویژگی‌های «خانواده» و روابط خویشاوندی است. شیوه زندگی قبیله‌مداری و پدرتباری سبب شده، داشتن دختران عار باشد؛ زیرا در نظام سیاسی قبیله‌ای که با شکار و غارت و حمله به همسایه‌ها درهم آمیخته، اسارت زنان و به دست دشمن افتادن آنان، نقطه ضعف بزرگی در جنگاوری است و شدت تعصب و غیرت مردان عرب بر زنان و دختران خود سبب خشونت و کم‌توجهی به زن و دختر می‌شد و نیافتن داماد هم کفو و هم‌خون در ازدواج، سبب رواج خشونت‌های فراوان علیه زنان شده است. به گونه‌ای که زبان عرب جاهلی سرشار از اشعار و جملات مشهوری است که علیه زنان و دختران به کار گرفته شدند و بهترین داماد را قبر خواندند. از سوی دیگر پس از واریسی دلایل عار، فقر و اعتقادات برای رسم و آداب دختران، به نظر می‌رسد این عادت بازمانده عامل «مناسک دین» کهن مردم شبه‌جزیره بوده که به مرور با فراموش شدن اصل انگیزه دینی و دیگر مراسم‌های آن آیین، به سبب گره خوردن با عوامل «اقتصادی» کوچ‌نشینی و «طبیعت» شبه‌جزیره، یعنی سبک زندگی خشن و خوی و خصال‌هایی مانند تعصب و غیرت در عرب جاهلی، به شکل رفتار رایج شبه‌جزیره و به صورت خفه کردن و دفن دختران زنده، درآمده است. با این‌همه به نظر نمی‌رسد این روش مرسوم همه قبایل جاهلیت بوده باشد؛ زیرا افرادی همچون صعصعه بن ناجیه و زید بن عمرو بن نفیل از واد دختران با دادن فدیة جلوگیری می‌کردند. خلاصه دسته‌بندی عوامل دخترکشی و نیز ارتباط آنها را با عوامل فرهنگی انسان‌شناسی را می‌توان در دو نمودار زیر دید. از سوی دیگر می‌توان گفت این رسم بین همه اعراب شبه‌جزیره کمابیش جاری و آشنا بوده است؛ اما در برخی قبایل به سبب آمیخته شدن با «مراسم دینی» مانند «بنی کلب» یا به سبب «روحیه خشن صحراگردی» مانند «مضر» بیشتر رایج و متداول شده است. با این‌همه در شرایط خاص که به سبب جنگ‌ها و بیم به اسارت رفتن زنان یا فقر و قحطی، برخی قبایل و افراد خاص که بیش از همه به واد دختران دست زدند، بیشتر مشهور شدند و قصاصین آنها را نخستین یا تنها قبیله وادکننده معرفی کردند.

۱. ابوعبید بکری، معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۵۵۵.



## نمودار شماره ۲



## نمودار شماره ۳



## منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابشیهی، أبوالفتح شهاب‌الدین محمد بن أحمد (۱۴۱۹ ق). *المستطرف فی کل فن مستطرف*. بیروت: عالم الکتب.

- ابن اثیر (بی تا). **أسد الغابة**. بیروت: دار الكتاب العربی.
- ابن حزم، أبو محمد علی بن أحمد (۲۰۰۳ م). **جمهرة أنساب العرب**. بیروت: دار الكتب العلمية.
- ابن حمدون (۱۹۹۶ م). **التذكرة الحمدونية**. تحقیق احسان عباس و بکر عباس. بیروت: دار صادر للطباعة والنشر.
- ابن عساکر (۱۴۱۵ ق). **تاریخ مدينة دمشق**. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). **المحرر الوجیز**. تحقیق عبدالسلام محمد. بیروت: دار الكتب العلمية.
- ابن کلبی، أبو المنذر هشام بن محمد (۲۰۰۰ م). **كتاب الأسماء**. تحقیق أحمد زکی باشا. قاهره: دار الكتب المصرية.
- ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ابن ماکولا (بی تا). **اکمال الکمال**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن ندیم، محمد بن إسحاق (۱۹۹۷ م). **الفهرست**. تحقیق إبراهيم رمضان. بیروت: دار المعرفة.
- أبو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا). **الأغانی**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابو عبید بکری، عبدالله بن عبدالعزيز (۱۴۰۳ م). **معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع**. بیروت: عالم الكتب.
- احمد بن حنبل (۱۹۹۹ م). **مسند الإمام أحمد بن حنبل**. تحقیق شعيب الأرناؤوط وآخرون. بی جا: مؤسسة الرسالة.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق). **معالم التنزيل فی تفسیر القرآن**. تحقیق عبدالرزاق المهدي. بیروت: دار احیاء التراث.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (بی تا). **أنساب الأشراف**. تحقیق سهیل زکار. بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- پاکتچی، احمد و دیگران (۱۳۹۷ ش). بازخوانی انگاره ربا در قرآن با تکیه بر الگوهای انسان شناسی اقتصادی. **دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**. بهار ۵ (۲).
- پاکتچی، احمد و دیگران (۱۳۹۸ ش). «بازتفسیر واژگان فقر / غنا در قرآن کریم با تکیه بر زمینه های انسان شناختی ساخت مفهوم». **فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی**. ۱۶ (۴).

- جواد علی (۲۰۰۱ م). **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**. بی‌جا: دار الساقی.
- راغب اصفهانی، أبو القاسم حسین بن محمد (۱۴۲۰ ق). **محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء**. بیروت: شركة دار الأرقم.
- ریویر، کلود (۱۳۸۶ ش). **درآمدی بر انسان‌شناسی**. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سمعانی، أبوالمظفر منصور بن محمد (۱۹۹۷ م). **تفسير القرآن السمعانی**. تحقیق یاسر بن ابراهیم. ریاض: دار الوطن.
- شُریشی، أحمد بن عبدالمؤمن القیسی (۲۰۰۶ م). **شرح مقامات الحریری**. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۹۵۴ م). **أمالی المرتضی**. محقق محمد ابراهیم. بیروت: دار إحياء الکتب العربیة.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م). **التفسير الكبير**. محقق هشام البدرانی. اردن: دار الثقافی اربد.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). **التبيان فی التفسير القرآن**. تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ ق). **الخلاف**. تحقیق علی خراسانی و دیگران. قم: مؤسسة نشر اسلامی.
- عبد الجلیل، ج. م. (۱۳۶۳ ش). **تاریخ ادبیات عرب**. ترجمه آذرنوش آذرتاش. تهران: امیر کبیر.
- علی بن زید بیهقی (۱۴۰۹ ق). **معارج نهج البلاغة**. تحقیق محمد تقی دانش‌پژوه. قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی.
- عمر کحاله (۱۹۶۸ م). **معجم قبائل العرب**. بیروت: دار العلم للملایین.
- فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فرجامی، اعظم؛ فاطمه عظیمی و آذرتاش آذرنوش (۱۴۰۲ ش). تبیین مفهوم قرآنی املاق با روش ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی. **پژوهش‌های زبانشناختی قرآن**. ۵ (۱).
- قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (۲۰۰۳ م). **الجامع لأحكام القرآن**. محقق هشام سمیر البخاری. ریاض: دار عالم الکتب.
- کاتک، کنراد فیلیپ (۱۳۸۶ ش). **انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

- لوبون، گوستاو (۱۳۱۸ ش). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: چاپخانه علمی.
- مبرد، محمد بن یزید (۱۹۹۷ م). *الکامل فی اللغة والأدب*. محقق محمد إبراهيم. قاهره: دار الفكر العربی.
- محمد بن حبیب بغدادی (۱۹۸۵ م). *المنطق فی أخبار قریش*. محقق خورشید أحمد فاروق. بیروت: عالم الکتب.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). *البدء والتاریخ*. پورسعيد: مكتبة الثقافة الدينية.
- مکی بن ابی طالب (۲۰۰۸ م). *الهداية إلى بلوغ النهاية*. بإشراف أ. د: الشاهد البوشيخي. شارجه: جامعة الشارقة.
- مهریزی، مهدی و مریم مشهدی علیپور (۱۳۹۱ ش). «تحلیل قرآنی و تاریخی بر دخترکشی در دوره جاهلیت. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۵ (۲).
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ ق). *الرجال*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب (۲۰۰۴ م). *نهاية الأرب في فنون الأدب*. تحقیق مفید قمحیة. بیروت: دار الکتب.
- Hastings, James (1889 - 1902). *Dictionary of the Bible*. Edinburgh: T. & T. Clark.